

## تربیت لقمانی در سیره امامین انقلاب اسلامی، در رهیافت قرآن کریم

عباسعلی علی محمدی<sup>۱</sup>، مهدی افچنگی<sup>۲</sup>، سیدرضا موسوی<sup>۳</sup>، ارسطو میرانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

### چکیده:

شکوفاسازی قابلیت‌های درونی انسان از طریق تزکیه و پیرایش موانع تربیت، اصلی‌ترین رویکرد قرآن در جامعه‌سازی و فردسازی است. خداوند با شناخت زوایای وجودی انسان، با هدف درونی ساختن آموزه‌های دینی و تربیتی، از روش‌های متفاوتی در تعلیم و تزکیه بهره برده است. اهم این روش‌ها در حوزه تربیت اخلاقی فرد و اجتماع، منحصر در چهار روش تربیتی است، که قرآن کریم به جهت ضریب نفوذ و تأثیرگذاری بیشتر، از روش انذار معطوف به فاعل (تربیت لقمانی) به نحو شایسته‌ای استفاده نموده است. قاعده لقمانی مجرای بیان سرگذشت اقوام مختلف و مبنای تربیت اخلاقی جامعه اسلامی در آیات قرآن است. امامین انقلاب اسلامی ایران ضمن آگاهی کامل از روش‌های تربیتی قرآن و فرآیندهای مؤثر آن در جامعه‌سازی و تربیت فردی امت اسلامی، با بهره‌مندی حداکثری از این قاعده، نقش موثری در تقویت درون مایه‌های اعتقادی و ایمانی آحاد جامعه و پیروزی بر دشمنان، ایفا نموده‌اند. هدف از پژوهش حاضر؛ تبیین روش مختار امامین انقلاب اسلامی با نگاهی نو، در بستر تربیت لقمانی در رهیافت قرآنی است که به عنوان روش بسیار تأثیرگذار، در تربیت انسان بشمار می‌آید.

**واژگان اصلی:** تربیت لقمانی، انذار و تبشیر، عبرت، امامین انقلاب، رهیافت.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

alimohammadi1564@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول)

Mehdiafchengi5@yahoo.com

arastoomirani@gmail.com

۳. ایران گرگان استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

R3131393@gmail.com

۴. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

## درآمد

یکی از پیشرفت‌های دین پژوهان سه مولفه‌ی احکام، اخلاق و عقاید را، از ارکان اصلی دین می‌شمارند. با این وصف، تبدیل ابناء بشر، به انسانهایی اخلاق‌مدار و سوق دادن جوامع به سوی جامعه‌ای اخلاقی؛ اصلی‌ترین غایات ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی بوده است. پیامبر اکرم (ص) نیز هدف رسالت خویش را تکمیل مکارم اخلاق معرفی نموده و فرمود: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۱۳) و این غایت با درجات مختلف، در آیات و سوره‌های قرآن کریم پراکنده و قابل مشاهده است.<sup>۱</sup>

سفارش به اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی، در بسیاری از منابع اسلامی مورد تأکید قرار گرفته<sup>۲</sup> و سبک‌ها و روش‌های گوناگون تربیت اخلاقی را نیز متذکر شده‌اند. از نگاه قرآن کریم، مبنای شالوده اخلاق در فطرت انسان نهاده شده «فَالْهَمَّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوِيهَا» (شمس: ۸): «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» (روم: ۳۰)؛ و روشی را مؤثرتر و نافذتر می‌داند که با فطرت انسان، انطباق بیشتری داشته باشد. از منظر برخی روایات، فطرت انسانی چون معدن طلا و نقره پاک و بی‌آلایش است: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَالْمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۸، صص ۶۵ و ۱۰۶) و کژی‌ها و ناهنجاری‌ها، محصول سرکشی‌ها، غفلت‌ها و ارتکاب جرائم و گناهانی است که فطرت پاک و بی‌آلایش انسان را آلوده نموده است. با این وصف، زدودن گرد و غبار غفلت و بی‌خبری از روی فطرت آلوده انسان و بیدارشدن آن، به دو طریق ممکن است؛ یکی نشان دادن خوبی و تشویق فرد برای رسیدن به آن؛ و دیگری، نمایاندن بدی‌ها و ترسانیدن از رسیدن به آن؛ و این همان ماهیت حقیقی تبشیر و انذار است که در حوزه تربیتی و اخلاقی از آن به روش ایجابی و سلبی تعبیر می‌شود. در مرتبه بعد، هریک از انذار و تبشیر، یا معطوف به فعل است و یا معطوف به فاعل. قرآن می‌فرماید:»

۱- مثل سوره: حجرات، نور، اسراء، شعراء و...

۲- از جمله تالیفات در این مورد: اسرار و رموز اخلاق اجتماعی، حسن کمالی، انتشارات رشد ۳- اخلاق در قرآن: محمدرضا آشتیانی با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان. انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام، نشر سال ۱۳۸۷، ۴- مکارم الاخلاق: حسن بن الفضل الطبرسی. ۵- المواعظ: شیخ صدوق. ۶- وافی: مولی محسن فیض کاشانی ۷- السعاده و السعاده فی السیره الانسانیة: ابوالحسن عامری نیشابوری، م ۳۸۱ه.ق. ۸- تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق: ابن مسکویه رازی ۹- اخلاق ناصری: خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۰- جامع السعادات: مهدی نراقی.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ «(اعراف: ۹۶)، نیز فرمود: «ان تَصْرُواُ اللهُ يَصْرُكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدامكم» (محمد: ۷)، همچنین می‌فرماید: «فَوَقَاهُمُ اللهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ كَفَاهُم نَصْرَهُ وَ سُوراً» (الأنسان: ۱۱) یا مثلاً ما می‌گوییم: حاج قاسم سلیمانی به این مقام رسید چون خدا و دینش را یاری کرد.. اول و دوم، تبشیر معطوف به فعل است، سوم و چهارم تبشیر معطوف به فاعل. باز خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسِهِمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ» (المومنون: ۱۰۳) یا «انَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» (نساء: ۱۰)، و می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ» (الفيل: ۱) یا « فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ » (القلم: ۲۶). اول و دوم انذار معطوف به فعل، و سوم و چهارم انذار معطوف به فاعل است.

از میان این چهار روش، روش انذار(سلبی) از روش تبشیر(ایجابی) برای عموم مردم تأثیر گذارتر است و از جهت فعل و فاعل، توجه دادن به فاعل به مراتب، تأثیر گذاری و نفوذ بیشتری دارد. قرآن کریم، ضمن بهره‌برداری از هر چهار روش در موقعیت‌های مناسب خود، به این مسأله اهتمام جدی داشته و بر روش انذار، به ویژه از طریق توجه دادن به سرنوشت افراد و اقوامی که از دستورات الهی سرپیچی کرده‌اند و به عقوبت پروردگار گرفتار شدند؛ و نهی از مثل آنها شدن، حداکثر تأثیر را بر مخاطب خود علی‌الخصوص در جامعه‌سازی و تربیت اجتماعی می‌گذارد.

در بیان تأثیر گذاری بیشتر این روش تربیتی باید گفت: بسیار اتفاق می‌افتد که انسان به دلایلی- مثلاً تنبلی، لزوم صرف زمان و هزینه و کار- علاقه‌ای به حرکت و تغییر وضع موجود ندارد. اما اگر احساس کند تهدیدی متوجه اوست، به سرعت آماده حرکت می‌شود و از تنبلی اجتناب می‌نماید. مثلاً یک کارمند اگر با تهدیدی مثل تورم و کاهش ارزش پول و سرمایه‌اش مواجه نباشد، چه بسا هیچ تلاشی برای ارتقای وضعیت موجود انجام ندهد؛ در حالی که اگر با چنین تهدیدی مواجه شود، با تمام توان برای بهبود وضع خویش تلاش می‌کند. در عرصه عمل هم، اکثر انسانها این‌گونه هستند. به همین دلیل روش انذار برای عموم، از تبشیر موثرتر است. راز توجه بیشتر مربیان، والدین، معلمان، خطبا و ... به نهی و انذار همین امر است. حتی این که بعضی افراد، اندازهای قرآن را بیشتر از تبشیر آن می‌بینند نیز به همین دلیل است. اما تأثیر تبشیر و انذار، در معطوف به فاعل نسبت به مواردی که معطوف به فعل است بیشتر است. دلیل این تأثیر گذاری، همذات پنداری و خود موقعیت‌بینی است که در تبشیر و انذار معطوف به فاعل وجود دارد و مخاطب با آن درگیر می‌شود. چنان‌که دیدن اوضاع اسفبار معتادان به مواد مخدر و زندگی فلاکت‌بار آنان برای متربی اثرگذارتر از تشریح بدی اعتیاد و

عواقب سوء آن است. برای مثال در داستان قارون، همان کسانی که مثلاً امروز گفتند: «یا لیت لنا مثل ما أوتی قارونُ إنه لکفو حَظٍ عظیم» (القصص: ۷۹) «ای کاش به جای او بودیم و چنین ثروت و شوکی داشتیم»، فردا گفتند: «لوگلا أن من الله عَلینا لَخَسَفَ بنا» (همان: ۸۲). «خدا بر ما منت نهاد هرآینه ما را نیز به سبب آن آرزوها که داشتیم به زمین فرو می‌برد»؛ نتیجه این‌که؛ اگرچه هر چهار روش لازم و در موقعیت‌های مناسب اثرگذار هستند، اما روش چهارم که انداز معطوف به فاعل است از بقیه تأثیرگذارتر و بیشتر مورد استفاده است. این روش، همان روش مصطلح به «قاعده لقمانی» است. و چون این روش در کلام لقمان به خوبی متجلی و قابل فهم است- همان‌که: «لقمان را گفتند: ادب از که آموختی، گفت: از بی ادبان؛ هر آنچه آنان می‌کردند، من پرهیز می‌نمودم» (فروغی، بی‌تا، گلستان سعدی). از این رو روش انداز معطوف به فاعل «قاعده لقمانی» نامیده شده است.<sup>۱</sup>

قران کریم در فرآیند تربیتی خویش، بویژه برای شکل‌دهی یک امت ایده‌آل و مطلوب، ضمن بهره‌مندی بیشتر از این روش، زمینه بازگشت انسان به فطرت حقیقی او را نیز فراهم نموده تا با استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فطری مخاطب، به او کمک نماید و بهترین سرنوشت را برای خود رقم بزند «إنا هدیناهُ السَّبیلَ إِمَّا شاکِراً وَ إِمَّا کُفُوراً» (الأنسان: ۳). قرآن از طریق قاعده لقمانی و با ارجاع به ناهلان و عواقب سوء رفتار آنان، به مخاطب کمک می‌نماید تا قابلیت‌های فطری خویش را به فعلیت برساند. گفتنی است؛ این شیوه تربیتی به صورت سلبی معطوف به فاعل و با پیام صامت و غیر مستقیم، فطرت انسان را بیدار نموده و به زندگی طراوتی نو می‌بخشد.

مدعای مقاله حاضر آن است که استفاده از این قاعده در سیره رهبران انقلاب اسلامی بویژه در روش تربیت اجتماعی و جامعه‌سازی حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (ادام‌ا.‌ظله)، بسیار پرکاربرد بوده و مصادیق ارائه شده در سطور آتی، مقوم این مدعاست. همانگونه که قرآن کریم، برای ساختن امت اسلامی و تبدیل آن به «امت وسط»، از قاعده لقمانی حداکثر استفاده را یرده است؛ امامین انقلاب اسلامی ایران نیز، در شکل‌دهی یک جامعه انقلابی، مسلمان و پیشرو برای تداوم حکومت اسلامی بر مبنای قانون اسلام، از این روش سنجیده، بسیار بهره برده‌اند. ضمناً این مقاله از این منظر که روش ویژه‌ای را در تربیت اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی، تبیین کرده است در نوع

۱- لازم به ذکر است چنان که در متن دلیلش بیان گردید، این جعل اصطلاح و نام گذاری به معنای این نیست که لقمان مُبدع این روش در اخلاق عملی است.

خود کم سابقه و جدید است. در این مقاله توجه نگارندگان بر این نکته معطوف شده است تا تجلی، کارکرد، و تاثیرگذاری قاعده لقمانی را در تربیت اجتماعی و امت سازی رهبران انقلاب اسلامی، آن گونه که قرآن کریم در ساختن امت اسلامی از آن بهره برده است؛ تبیین نماید.

### پیشینه تحقیق

در زمینه روش های تربیتی، پیش از این نیز، پژوهش های ارزشمندی صورت گرفته است و هریک از منظری خاص این موضوع را کاویده اند. علی محمدی و دیگران (۱۳۹۹)؛ در ضمن پژوهشی مفصل، مؤثرترین روش تربیتی را، در حوزه اخلاق فردی و هم در تربیت اجتماعی، روش انذار (سلبی) معطوف به فاعل دانسته و با وضع اصطلاح این روش به «قاعده لقمانی»، معتقدند که؛ روش غالب و تأکیدی قرآن کریم در تربیت مسلمانان و ساختن امت اسلامی همین روش است. (علی محمدی و دیگران، ۱۳۹۹، صص ۱۶۲-۱۷۹)

حسن ملکی (۱۳۹۹)، روش تربیتی امام راحل و مقام معظم رهبری را مبتنی با فطرت انسانی برشمرده و استعدادشناسی، پیراستگی در سخن، مهربانی و قانون گرائی، داد و ستد علمی و بهره مندی از هنر و زیبایی شناسی را از ظریف ترین شیوه های تربیتی رهبر فرزانه انقلاب دانسته است. نگارنده معتقد است استعدادیابی و شناخت توانی های افراد، یکی از ویژگی های منحصر به فرد رهبر انقلاب اسلامی است و اگر نظام تعلیم و تربیت، طلا شناس و نقره شناس نباشد؛ ظلم تربیتی رخ خواهد داد. وی استفاده از تجربه و تعقل، در روش تربیتی رهبری را، سبب غنی شدن تربیت و رشد عقلی می-داند. (ر.ک: ملکی، ۱۳۹۹، صص ۱-۴)

عبدالعظیم کریمی (۱۳۹۴)، با مقایسه دو روش ایجابی و روش سلبی در تربیت، باستناد آیات قرآن و روایات معصومین (ع)، روش تزکیه و سلب را بر روش ایجابی ترجیح داده و عقیده دارد؛ این روش از درون مایه های فطری و ذاتی انسان نشأت گرفته است و موافق با فطرت انسانی و زمینه ساز فلاح و رستگاری انسان است «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹). (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۱-۱۳۱)

پژوهشگر دیگری، روش توصیه ای و تجویزی در تبلیغ را، روشی تحمیلی خوانده و با اشاره به رسالت خطیر مبلغین دینی، برجایگزینی راهبرد «دین یابی» از درون به جای «دین دهی» از بیرون تأکید ورزیده است. به عقیده این نویسنده؛ وظیفه مبلغان دینی، تقویت درون مایه های فطری و به فعلیت رساندن آن ها است. (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۳، ش، صص ۴۹-۸۰)

مقاله حاضر ضمن تأیید نتایج پژوهش‌های مذکور و هم‌عقیده بودن با آنان در این زمینه، با نگاهی خاص، روش انذار معطوف به فاعل، یعنی قاعده لقمانی را، در رویکرد تربیتی امامین انقلاب، برای جامعه‌سازی و امت‌سازی، پیرنگ و مورد تأکید می‌شمارد، و تبیین می‌کند که در حوادث گوناگون انقلاب، استفاده از این روش تربیتی، در سیره این دو بزرگوار به وفور دیده می‌شود. این مقاله از این جهت که به تطبیق روش تربیتی قرآن در امت‌سازی، با روش تربیت اجتماعی رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای پرداخته است، در نوع خود بدیع می‌باشد.

### جامعه‌سازی رهبران انقلاب (رَفَعَ اللَّهُ درجَاتِهِمَا) بر مبنای مؤلفه‌های تأثیرگذاری قاعده لقمانی مصداق‌داری

اساسی‌ترین مؤلفه تأثیرگذاری فوق‌العاده در روش لقمانی، مرهون وجود «مرجوع به» یا وجود مصداق در آن است که پایه دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذاری هم به‌شمار می‌آید. چنان که گفته شد همین مرجوع به - مصداق و فاعل - است که باعث شده است آن را از روش انذار معطوف به فعل، متمایز ساخته و قاعده لقمانی نام گیرد. برای مثال: امام خمینی (ره) در مورد این که بنی صدر آدم درستی نیست می‌فرماید: «والله قسم، من رأی به ریاست جمهوری بنی صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم». (صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۳۳۱). گاه حاکم انقلاب در موقعیت‌های متعدد مکرر به مردم گوشزد می‌کند که در انتخاب مسئولین کشور؛ مانند رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، دقت و مراقبت لازم را به‌عمل آورند و معیارهایی مثل انقلابی بودن، پاکدستی، تعهد به ارزش‌ها، دور بودن از خوی اشرافی‌گری و در مردم بودن، را به آنان گوشزد می‌کند؛ تا مبدا مسؤولی انتخاب شود که جز خسران و زیان برای مردم و کشور به بار نیاورد و یا با ارجاع ضمنی به مشکلاتی که از بی‌کفایتی و راهبرد غرب‌گرایانه دولت یازدهم و دوازدهم و مجلس مقارن گریبانگیر مردم شده می‌فرماید: «اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای این که به فکر ادامه‌ی راه امام و ارزش‌ها و اصول ترسیم شده‌ی به وسیله‌ی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم بیجار ۱۳۸۷/۲/۲۸).

در تمام این موارد، به وضوح تجربه شده که انذاری که معطوف به فاعل است عینی‌تر و ملموس‌تر و تأثیرگذارتر است.

این همان روش تأکیدی قرآن کریم در تربیت امت اسلامی و مسلمانان است. بیشترین انذارهای

قرآن معطوف به فاعل و در قالب تربیت لقمانی است. تمام آیاتی که سرنوشت قوم عاد، ثمود، سبأ، تبع، یهود و ..... را بازگو می‌کند از این قسم است: طراحی داستان آدم و حوا در قرآن کریم و سوسه‌ی شیطان با تظاهر به خیرخواهی و فریفتن آن دو... (ر.ک اعراف/۲۰-۲۵)؛ (طه/۱۲۳) تماماً بر اساس این قاعده تربیتی صورت گرفته است و با انذار مؤمنان از آنان می‌خواهد؛ مانند آنان فریفته شیطان نشوند. چنانکه با یادکرد از خدا فراموشان و عملکرد سوء آنان، مخاطبان را انذار داده که خدا- فراموشی نتیجه‌ای جز خودفراموشی و فاسق‌شدن ندارد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر/۱۹). و گاه داستان قومی را بیان می‌کند که بخاطر سرپیچی از دستورهای الهی، پاکیزه‌ها، بر آنان حرام گردید... «حَرَمْنَا عَلَيْهِمُ الطَّيِّبَاتِ» (نساء: ۱۶۰) و می‌خواهد برای این که به سرنوشت آنان مبتلا نگردند از رفتارهای مشابه اجتناب نمایند. داستان شیطان نیز مصداقی از این روش است که خداوند برای تربیت مخاطبان خویش از آن استفاده نموده و به آنان هشدار داده که مانند او عمل نکنند؛ «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره: ۱۶۸). این که امام صادق (ع) خطاب به ابوحنیفه فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسَ» (حسینی طهرانی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۳۱) همان قاعده لقمانی است، یعنی تو مانند ابلیس نباش؛ او چنین کرد و از درگاه خداوند رانده شد، تو به راه شیطان نرو تا رانده نشوی! قرآن می‌خواهد به ما بگوید نماز بخوانید، فقرا و مساکین را اطعام کنید، و در غفلت و غافلان غرق نشوید؛ می‌فرماید: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ \* وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمَسْكِينِ \* وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ» (مدثر: ۴۲-۴۵).

البته قرآن کریم در فرآیند امت‌سازی بیشتر از همه گروه‌ها، قوم یهود و رفتار، حکایات و سرنوشت آنها را مرجوع به و مصداق خویش در تربیت لقمانی قرار داده است. دلیل آن هم این است که قوم یهود تنها قومی بودند که به جهات زیادی مانند: حکومت‌داری؛ گرد پیامبری الهی موفق به تشکیل حکومت دینی شدند، لذا خداوند آنان را افضل امت‌ها (بقره: ۴۷) -در زمان خودشان- قرار داده بود؛ از این رو تنها قومی- و دینی به غیر از اسلام- هستند که خود را داعیه‌دار حکومت جهانی می‌دانند. نحوه تعامل آنها با انبیاء و ادیان الهی، نقش قابل توجه آنها در وقایع تاریخ و نیز در سرنوشت نهایی مسلمانان و مردم جهان بسیار پندآموز است، زیرا شبیه‌ترین قوم به امت اسلام است. از این رو قرآن با ارجاع به زندگی و نحوه تعامل آنها نسبت به پیامبران و دین الهی، (ارجاع به فاعل)، در صدد تربیت امت اسلامی است. لذا وقتی خداوند، خطاب به موسی (ع) می‌فرماید: «قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه/۸۵) (ما قوم تو را بعد از تو آزمودیم و سامری آنها را گمراه

ساخت)؛ در واقع به پیروان پیامبر آخرالزمان (ص) نیز پیام می‌دهد که؛ همان‌گونه که قوم موسی بعد از رهایی از چنگ فرعون، با نزول نعمت‌های الهی و وفور آن، مورد آزمایش قرار گرفتند لکن بعد از پیامبرشان به فرامین جانشین او (هارون) توجه نکردند؛ شما نیز قطعاً در معرض آزمایش قرار خواهید گرفت و نکند که مانند آنها مردود و مطرود شوید، لذا مراقب باشید که به سوء عاقبت قوم یهود مبتلا نشوید بلکه از رفتار بی‌ادبانه آنان پند گرفته و مطیع دستورات پیامبر و جانشین او باشید تا گمراه نشوید. امامین انقلاب اسلامی هم در تبیین رویکرد انقلاب اسلامی در مقابل غرب؛ به ویژه آمریکا و کشورهای استعمارگر، مصادیقی از دغل‌کاری‌ها و بدعهدی‌ها و خیانت‌های آنها را گوشزد کرده‌اند تا مبدا امت اسلامی ایران به دامی که دیگران یا حتی خود ایرانیان در گذشته بدان مبتلا شدند، گرفتار شوند. امام خمینی (ره)، در دیداری که یاسر عرفات با ایشان داشت خطاب به وی فرمود: «شاه هم تکیه کرده بود بر آمریکا و انگلیس و چین و اسرائیل و همه اینها. لکن تکیه گاه‌ها سست است. آن تکیه گاهی، غیرسست و سنگین و مستحکم است که خدا باشد.» (صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۱۸۰).

داستان مصدق و اعتماد وی به غرب و آمریکا و خنجر از پشت خوردن در کودتای ۲۸ مرداد سال (۱۳۳۲) از مصادیق دیگری است که هردو بزرگوار به کرات برای هوشیاری مردم و مسؤولین انقلاب در نحوه تعامل با غرب به آن ارجاع داده و تربیت لقمانی را به احسن وجه متجلی نموده‌اند.

رهبرانقلاب آیه‌الله خامنه‌ای (دام‌الله) با شناخت کامل از پیشینه توطئه‌های دشمن، بویژه دولت آمریکا و ایادی آن در گذشته، امت اسلامی را از اعتماد به آنان برحذر می‌دارند: «دولت آمریکا که با ادعای دموکراسی این همه جنایت در دنیا علیه مردم‌سالاری‌ها و دموکراسی‌ها کرده است؛ رژیم‌ی که ۲۸ مرداد را در ایران به راه انداخت؛ کودتای شیلی را علیه دولت قانونی آن کشور هدایت کرد؛ دهها

- ۱- مورخان و پژوهشگران بر پایه اسناد منتشر شده داخلی و خارجی، دلایل موفقیت انگلستان برای اجرای کودتا را برنامه‌ریزی دقیق آنها و همراهی و همکاری خائنین و وطن فروشان داخلی می‌دانند که ستون پنجم دشمن در قسمت‌های مختلف و دستگاه‌های نظامی و اداری کشور بودند.
- دکتر آبراهامیان یکی از برجسته ترین پژوهشگران این دوره است که با استفاده از اسناد منتشر شده وزارت خارجه انگلستان، سازمان سیا و منابع دست اول

دست اندرکاران کودتا در داخل کشور را پنج گروه می‌داند که گردانندگان کودتا در داخل کشور بودند. (ر.ک:

آبراهامیان، ۱۳۹۷)



کودتا در امریکای لاتین، آفریقا و در مناطق دیگر علیه دولت‌های ملی انجام داد و سال‌های متمادی از دیکتاتورهایی مثل «محمدرضا پهلوی» در ایران حمایت کرد...» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۲/۹/۵)، جایگاهی در بین ملت ایران ندارد. ایشان با شناخت کامل از خوی استکباری دولت آمریکا، موضع قاطع امت اسلامی را به‌طور آشکار بیان کردند: «آمریکا بداند که ملت‌ها زیر بار نمی‌روند و ملت بزرگ، مجاهد، مبارز، مقاوم و ریشه‌دار ایران مانند یک الگو در میان ملت‌ها ایستاده است» (همان). ایشان در روش ویژه خویش که مبتنی بر قاعده لقمانی است، از رفتار منافقانه دولت آمریکا در قبال ملت‌های عالم نتیجه می‌گیرد که چنین دولتی هرگز قابل اعتماد نیست بلکه باید به توانائی‌ها و داشته‌های خودمان تکیه کنیم؛ «اساس کار این است. ما باید به خودمان اتکاء کنیم؛ به دیگران نمی‌شود اتکاء کرد، به بیگانگان نمی‌شود اتکاء کرد، نمی‌شود اعتماد کرد». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مسئولان کشور، ۱۳۹۵/۰۱/۱۸) خوش‌بین نبودن رهبری در موضوع طرح مذاکره با آمریکا و متحدانش و مردود دانستن اعتماد به آنان در قضیه برجام نیز، ریشه در همین نگاه تربیتی، مبتنی بر «تربیت لقمانی» و دشمن‌شناسی دقیق ایشان دارد؛ از این رو فرمودند: «من مکرر در دوران همین مذاکرات هسته‌ای - شاید چهار پنج مرتبه یا بیشتر - گفتم به آمریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد. حالا هم ملاحظه می‌کنید و می‌بینید؛ حرف‌هایی که می‌زنند، اظهاراتی که می‌کنند و عملکردی که نشان می‌دهند، کاملاً امضای آن حرفی است که بنده آن وقت می‌زدم؛ یعنی واقعاً نمی‌شود به اینها اعتماد کرد». (همان).

حضرت امام (ره) نیز تجربه ناکامی نهضت‌های انقلابی و اسلامی را در گذشته، عبرت‌آموز دانسته و با اشاره به حضور تأثیرگذار شهید مدرس<sup>۱</sup> در جریان نهضت مشروطیت فرمودند: «مدرس در مشروطیت حضوری فعال داشت و پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، به عنوان یکی از پنج مجتهد ناظر بر قانون اساسی انتخاب شد. اگر چه جریان فراماسونری و غرب‌گرایی هرگز نگذاشتند. این اصل مهم که به خون‌بهای شهید آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله نوری و جریان «مشروطه مشروعه» تمام شد، عملی شود، با این وجود شهید مدرس از مجلس دوم که به عنوان نماینده انتخاب شده بود تا مجلس ششم در جهت تحقق آن مقاومت کرد. مردی که دیانتش عین سیاست و سیاستش عین دیانت بود». (امام خمینی، ۱۳۲۳،

<sup>۱</sup> - برای مطالعه بیشتر (ر.ک: رضائی، عباس، بی تا، سید حسن مدرس، ص ۶۶-۶۹، تهران: ترفند).

ص ۲۳۴). ذکر مصادیق کوناگون در جامعه‌سازی امت اسلامی در روش تربیتی امام خمینی (ره) بسیار جلب توجه می‌کند برای مثال ایشان با اشاره به مصادیق بارز سیاست‌های توطئه‌آمیز غرب‌گرایان منحرف در جریان مشروعیت فرمودند: «در مشروطه دیدند که یک مُلّا یا چند مُلّا در نجف و چند معمم و مُلّا در تهران، اساس استبداد و حکومت خودکامه‌ای که در آن وقت بود آن را به هم زدند و مشروطه را مستقر کردند و در این مسائل آنهایی که مخالف هم بودند از پا نشستند (صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۱۷۵). امام (ره) مبارزه و ایستادگی علمای آگاه مرحوم شیخ فضل الله نوری (ره) را به عنوان الگو و نماد شهامت و پایداری از حدود اسلامی معرفی کرده و می‌فرماید: که «مشروطه باید مشروع باشد، باید قوانین موافق اسلام باشد». یادآوری این نکته از قول رهبران نهضت مشروطه بیانگر هدف‌گذاری تربیتی امام در آماده‌سازی امت اسلام برای ایفای نقش تربیتی خویش در انقلاب اسلامی است که باید از حوادث تلخ دوره مشروطیت پند بگیریم تا به سرنوشت آن مبتلا نشویم. بر اساس همین نگاه فرمودند: «... مخالفین، خارجی‌ها که یک همچون قدرتی را در روحانیت می‌دیدند کاری کردند در ایران که شیخ فضل الله مجاهد مجتهد دارای مقامات عالیه را، یک دادگاه درست کردند و یک نفر منحرف روحانی نما او را محاکمه کرد و در میدان توپخانه شیخ فضل الله را در حضور جمعیت به دار کشیدند» (صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۱۷۵).

این موارد عیناً مصادیق «تربیت لقمانی» است زیرا امام (ره) با ارجاع به جریان عینی و حق‌گرا در تاریخ ایران که انحرافش به دست اجانب، باعث ذبح تعالیم شرعی و دینی گردید؛ و به قول امام زمینه دیکتاتوری سرتاسر مصیبت پهلوی را در ایران فراهم آورد، انقلاب به حق اسلامی را از انحراف حفظ نمود.

امام خامنه‌ای نیز با همین رویکرد تربیتی افراد جامعه را به مصادیق موانع رشد جامعه اسلامی ارجاع داده و می‌فرماید: «نابرابری، تبعیض، عدم عدالت، وجود طواغیت، همیشه در طول تاریخ بوده است، مال امروز نیست، منتها امروز برای اعمال این قدرت طاغوتی از ابزار علم دارد استفاده می‌شود، از فناوری دارد استفاده می‌شود؛ یعنی مثلاً فرض کنید که فرعون می‌گفت «آلیس لی مُلکُ مصر» (زخرف: ۵۱) خیلی خوب، در محدوده مصر هر غلطی می‌خواست می‌کرد. امروز آمریکا که همان فرعون آن روز مصر است به کشور آمریکا اکتفا نمی‌کند و نمی‌گوید «آلیس لی مُلکُ آمریکا!» [بلکه] وارد کشورهای دیگر می‌شود، تسلط پیدا می‌کند، پایگاه می‌سازد (ر.ک: سخنرانی مقام معظم رهبری، به مناسبت میلاد پیامبر اعظم و امام صادق (ع)، ۱۳۹۹/۸/۱۲).

اشاره به مصادیق افرادی که از رفتارهای غلط دشمنان عبرت نگرفتند و به سوءعاقبت گرفتار شدند نیز بر اساس تربیت لقمانی، در آموزه‌های حکیمانه رهبر انقلاب (ادام... ظلّه) به وضوح دیده

می‌شود: «آنهایی که خودشان را تسلیم آمریکا کردند و سیاست‌های آمریکایی را پذیرفتند و زیر بار زورگویی‌های آمریکا رفتند، ضربه خوردند؛ نمونه‌اش کم‌دیوید است که واقعاً سی‌چهل سال اینها عقب افتادند؛ نمونه‌اش رژیم پهلوی در کشور خودمان است که کشور را واقعاً عقب‌افتاده کردند، با تسلیم در مقابل سیاست‌های آمریکا. و روزه‌روز هم هر چه بگذرد، این جور رژیم‌ها وابسته‌تر و گرفتارتر می‌شوند». (ر.ک: سخنرانی مقام معظم رهبری، به مناسبت میلاد پیامبر اعظم و امام صادق(ع)، ۱۳۹۹/۷/۱۲). و یا برای جلوگیری از فریفته شدن عناصر داخلی نسبت به ظاهرنمایی و شعارهای فریبنده آمریکا، کشورهایی را که فریفته این شعارها شدند و به عاقبت سوء آن دچار شدند، مخاطب قرار داده و می‌فرمایند: «اشغالگران با پیام امنیت و آزادی وارد عراق شدند؛ اما مردم عراق در پنج سال اخیر ناامین‌ترین دوران زندگی خود را تحمل کرده‌اند؛ چرا که طبیعت ابرقدرتها بر بی‌تقوایی، اشغالگری و ناامنی تکیه دارد و مواضع مستحکم نظام اسلامی و ملت ایران در مقابل آمریکا نیز ناشی از شناخت همین طبیعت سلطه‌گران است». (سخنرانی رهبر انقلاب در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس، در شیراز: ۱۳۸۷/۲/۱۲).

توجه و دقت در سخنرانی‌ها و نوشته‌های امامین انقلاب، به‌روشنی آشکار می‌سازد که بخش قابل توجهی از ارشاد و هدایت مردم در مسیر درست انقلاب، توسط ایشان، از طریق ارجاع به افراد، جوامع، عهد نامه‌ها و قراردادهای مذاکرات، نهضت‌ها، روابط، و امثال این‌ها که در طول تاریخ ایران اتفاق افتاده و یا برای سایر ملّت‌ها رخ داده و آنها را دچار خسران نموده است؛ با اشاره‌ی به مصادیق از طریق ارجاع به فاعل صورت گرفته است. رویکرد اصلی تربیت اجتماعی و جامعه‌سازی امامین انقلاب در قالب «تربیت لقمانی» بر این هدف استوار بوده و هست که ملت و مسؤولین ایران، به آفت‌ها و نتایج نامطلوب پیشینیان دچار نشوند و اشتباهات گذشتگان و ملت‌ها دیگر را تکرار ننمایند تا انقلاب اسلامی و مردم از آسیب مصون بمانند؛ و این یعنی همان تربیت لقمانی مد نظر ماست. تأکید بر توجه به انقلاب مشروطه و سرنوشت شیخ فضل‌الله نوری، ارجاع دادن محمد رضا شاه به سرنوشت پدرش رضا شاه، و همه مسؤولین و مردم ایران به سرنوشت هر دوی آنها، نامه به گورباچف، بی‌بصیرتی مسلمانان در وقایعی مثل سقیفه بعد از رحلت پیامبر(ص) و در زمان علی

(ع)<sup>۱</sup>، عاشورا و موارد بسیار دیگر در تاریخ اسلام؛ و نیز در سیره امام خمینی(ره): ارجاع به رفتار و عملکرد منافقان، عاقبت صدام، معمر قذافی و دیگر دیکتاتورهای عربی منطقه، یاسر عرفات و همچنین موضع قاطع و تأکید مقام معظم رهبری در موضوع مذاکرات هسته‌ای دهه هشتاد در ایران با غرب، و اخیراً خون‌های آلوده و واکسن آمریکایی و انگلیسی، و برجام و مانند آن، تنها گزیده‌ای از مصادیقی است که دو رهبر عالیقدر، در انقلاب اسلامی، با استفاده مطلوب از آنها، همه مردم جامعه را در پیمودن سبک زندگی دینی بر پایه عقل و منطق، به درستی ارشاد و راهنمایی کرده‌اند. نمونه‌ای واضح از این سیره و روش تربیتی در وصیت‌نامه سیاسی الهی حضرت امام(ره) تجلی یافته است: «من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوسی و اسلام‌نمائی بعضی افراد، ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام که بعد فهمیدم از دغل‌بازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود و میزان در هر کس حال فعلی اوست» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳، ص ۹۴). این عبارت کوتاه و پر معنای حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر «میزان در هر کس حال فعلی اوست»؛ یک جمله راهبردی در همه دوران‌ها، برای جلوگیری از فتنه‌انگیزی‌ها، با شناخت دقیق افراد در لحظه است.

### تقدم تخلیه بر تحلیله

سعادت انسان در گرو جلب منفعت و دفع ضرر است و به طور فطری همواره به دنبال آن است تا «هر چه برایش مفید است، به دست آورد و از هر چه برایش ضرر دارد، فرار کند. برای انسان حتی احتمال این مسایل نیز مهم است. انسان عاقل اگر احتمال دهد خطر بزرگ یا نفع مهمی در پیش است، ابتدا می‌کوشد که خودش را از آن خطر محتمل حفظ کند و آن منفعت مهم را به دست

۱- برخی افراد، در برهه‌ای از تاریخ اسلام خوش درخشیدند و خدمات و رشادت‌هایی شایانی را در نبرد با دشمنان از خود نشان دادند، اما سرانجام در برابر وصی پیامبر(ص) تیغ کشیدند؛ طلحه از سوی پیامبر اسلام(ص) عنوان: «طلحة الجواد، طلحة الجود، و طلحة الخیر» (ر.ک: معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۶، ص ۱۰۹۷) را به خود اختصاص داد و زبیر، به دلیل مجاهدت‌های ستودنی در جنگ‌های متعدد علیه مشرکان و کفار، به «سیف‌الاسلام» شهرت یافت. امادر گذر زمان با چنین سوابق درخشانی، اسیر هواهای نفسانی و روحیه دنیاگرایی و قدرت‌طلبی، شدند و منحرف شده و در مقابل حضرت علی(ع) ایستادند. و با کمک دیگران فتنه پر خسارت و خونبار جمل را پدید آوردند. (ر.ک: ابن سعد بغدادی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۵)

آورد(مصباح یزدی، ۱۳۹۶/۱۲/۲۳، گزیده درس اخلاق جلسه بیستم). البته دفع ضرر نسبت به جلب منفعت، برای انسان‌ها از اولویت بیشتری برخوردار است. و در امور معنوی نیز، ابتدا اصل بر پاکی از رذایل و پس از آن آراسته شدن به فضایل بنا نهاده شده است. «وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ» (مائده: ۶)، و تنها در این صورت است که اعمال انسان موجب کمال و سعادت واقعی وی در دنیا و آخرت می‌شود (ر.ک: جمع نویسندگان، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۳۶).

این موضوع در فرهنگ و ادبیات ما نیز جلوه‌ای خاص پیدا کرده است. «اول ای جان دفع شرّ موش کن وانگهان در جمع گندم کوش کن» (مولوی، ۱۳۹۶، دفتر اول، بخش ۱۶). گفته شده: «انگیزه اصلی ما برای شناخت خدا و ایمان به او همان انگیزه فطری جلب منفعت و دفع ضرر است که حتی در حیوانات هم وجود دارد؛ البته این انگیزه در انسان‌ها آگاهانه‌تر است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، گزیده درس اخلاق جلسه بیستم). در اجتماعات بشری و حتی در میداین ورزشی نیز همین اصل جاری است؛ تا جایی که در بسیاری از ورزش‌ها به عنوان یک اصل به ورزشکار تعلیم داده می‌شود: اول گل نخورید و بعد گل بزنید. در تربیت لقمانی هم، وضع چنین است؛ چون توجه و تمرکز بر آسیبی است که مصداق و مرجوع به گرفتار آن شده است، لذا نه تنها دفع ضرر و آسیب بر جلب منفعت مقدم است؛ بلکه این امر خود بتمامه منفعت است؛ از این رو اثرگذاری تربیتی آن بر مخاطب، بسیار مؤثر و عمیق است. وقتی انسان سرنوشت شوم گروهی را می‌بیند و یا می‌شنود که چگونه در میان انواع اشتباه‌ها و خطاها و بدبختی‌های خویش غوطه‌ور شده‌اند، در ضمیر ناخودآگاه خویش، درمی‌یابد که راه منطقی و صحیح، از راه آنان جداست و خود باید اصولی را که آنها بر آن تکیه کرده‌اند را رها سازد و در واقع ادب را از بی‌ادبان و عدالت را از ظالمان و پاکی را از ناپاکان بیاموزد. در جامعه‌سازی رهبران انقلاب اسلامی نیز؛ ارجاع به فرجام الگوهای منفی و پرهیز از رفتار سوء آنان، بسیار دیده می‌شود تا حدی که به عنوان یک دغدغه بزرگ برای بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره) تبدیل شده و می‌فرماید: «همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنج‌ها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست‌بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غریزدگان سپردند؛ و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام، آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد» (امام خمینی (ره)، بی‌تا، صحیفه نور، ج ۲۱)

## عبرت آموزی

عبرت و اعتبار: حالتی است که در آن معرفت ظاهری و محسوس، سبب درک معرفت باطنی و غیرمحسوس می‌گردد. به عبارت دیگر، انسان از امور مشهود به امور نامشهود منتقل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲ش، ص ۳۲۷). برخی عبرت را، عبور از جهل و رسیدن به علم معنا کرده‌اند (ر.ک: حسنی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۲۷؛ میدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۲). با این تعریف می‌توان گفت عبرت، تربیتی اندازی است، لکن اعم از انداز معطوف به فعل و انداز معطوف به فاعل است. بنابراین نسبت به تربیت لقمانی که معطوف به فاعل است، عام‌تر و نسبت به تجربه، خاص‌تر است. در واقع رابطه قاعده لقمانی با عبرت، عموم و خصوص مطلق است. تربیت لقمانی، مصادیقی از عبرت است که معطوف به فاعل است. البته نباید غافل شد که مراد از فاعل در قاعده لقمانی صرفاً شخص حقیقی نیست، بلکه می‌تواند شخص حقوقی، نهاد، قرارداد، جنگ و جریان و یا هر پدیده‌ای که شایسته ارجاع باشد، مرجوع به قاعده لقمانی قرار گیرد.

رهبر معظم انقلاب در آخرین دیداری که با دولت دوازدهم داشتند؛ از آن با عنوان «دولت عبرت» یاد کردند و لزوم توجه به آن در مورد اعتماد به غرب را یک تجربه بسیار مهم دانستند که آیندگان باید از آن استفاده کنند. ایشان با تکیه بر رویکرد عبرت‌آموزی از گذشته، تأکید کردند که: «مطلقاً نباید برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب منوط کرد؛ زیرا حتماً شکست خواهد خورد» (بیانات رهبر انقلاب در آخرین دیدار با اعضای دولت دوازدهم، ۱۴۰۰/۵/۶). قاطعیت در کلام مقام رهبری خطاب به متولیان اجرائی کشور بیانگر اطمینان بخشی روش تربیت اجتماعی ایشان است. لذا فرمودند: «هر جا که کارها را منوط به غرب و مذاکره با آن و آمریکا کردید ناموفق بودید و هر جا که بدون اعتماد به غرب، حرکت و از آنها قطع امید کردید موفق بودید و پیش رفتید» (همان). ایشان با تأکید بر عبرت‌گیری از گذشته، اتخاذ راه درست در تصمیم‌سازی‌ها در موضوع برجام را به مسئولین کشور یادآور شدند: «ما گفتیم که باید اول تحریم‌ها برداشته بشود، چون ما خاطر جمع نیستیم به اینکه آنها وعده بدهند که تا حالا ده‌ها بار به وعده‌هایشان عمل نکرده‌اند و ضد وعده عمل کرده‌اند، و حالا هم همین کار را خواهند کرد» (بیانات رهبری در محفل انس با قرآن کریم ۱۴۰۰/۰۱/۲۵). اما آنان که به این تأکیدات ایشان، هنوز یقین پیدا نکرده بودند؛ بعدها خودشان اعتراف کردند که اشتباه کردند و گفتند: «ما فکر نمی‌کردیم آمریکایی‌ها به این راحتی برجام را زیر پا بگذارند» (روحانی، ۱۴۰۰/۰۵/۱۰،

در نشست با مدیران ارشد دولت تدبیر و امید، در محل سالن اجلاس سران). اگرچه رهبر انقلاب از این تجربه، به عبرت تعبیر کرده‌اند- که درست هم هست-، اما با توجه به این که به مصادیق ارجاع داده شده و معطوف به فاعل است؛ از مصادیق تربیت لقمانی بشمار می‌رود. حتی برخی از بیانات اخیر ایشان که در اولین دیدار با اعضای دولت سیزدهم بیان داشتند نیز از مصادیق این روش و با رویکرد تربیت قاعده لقمانی است. ایشان آمریکا را در صحنه دیپلماسی، گرگی درنده و وحشی خواندند و با اشاره به اوضاع به شدت متأثرکننده افغانستان گفتند: «جمهوری اسلامی در همه احوال طرفدار ملت مظلوم و مسلمان افغانستان است و روابط ما با دولت‌ها، به روابط و رفتار آنها با ایران بستگی دارد» (نخستین دیدار هیئت دولت سیزدهم با رهبر انقلاب، ۱۴۰۰/۶/۶).

توصیه به رئیس جمهور و اعضای دولت سیزدهم، برای مطالعه دقیق فرمان بسیار مهم امیرمؤمنان به مالک اشتر از دیگر مصادیق متأثر از روش تربیت لقمانی، برای عبرت‌آموزی از گذشته‌ی تاریخی در حکومت‌داری است که در بیانات رهبر انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان با اشاره به فرمان تاریخی علی(ع) به مالک اشتر که بر اساس تعالیم اسلام، رابطه حاکمیت با مردم به‌درستی تبیین شده است متذکر شدند که در برخی از دوره‌هایی که افرادی به نام اسلام بر مردم حکومت کرده و از این دستورها فاصله گرفته و مسیری بر خلاف آن پیمودند جامعه به انحراف کشیده شد. و در تبیین «عدالت‌ورزی» به دولتمردان، اساس ادیان الهی و مبنای تشکیل حکومت را اقامه عدل خوانده و با مقایسه به مصادیق برخی روش‌های رایج مدیریتی نافی عدالت در گذشته فرمودند: «در توزیع یارانه‌ها و هر مسئله دیگر باید به گونه‌ای عمل کرد که فاصله طبقات محروم با طبقات برخوردار، کم شود و هر چه ممکن است امکانات عادلانه توزیع شود»(همان).

### خود جایگزینی

از ویژگی‌های اصلی این روش، تأثیرگذاری بیشتر آن نسبت به سایر روش‌ها، با جایگزینی شخصیت و موقعیت افراد است. در این روش، متربی خود را در موقعیت مرجوع<sup>۲</sup> به (ارجاع داده شده) قرار داده و او را خود می‌پندارد. از این رو فلاکت و بدبختی او را برای خود می‌بیند و همین باعث می‌شود که قویا از آن رفتارها پرهیز کرده و برخلاف آن رفتار نماید. برخی از روان‌شناسان تربیتی براین باورند که درگیری‌های هیجانی و اخلاقی که از طریق خواندن قصه و داستان در ذهن ایجاد می‌شود مخاطب را به سوی شبیه‌سازی ذهنی کشانده، به حای که خود را در جایگاه شخصیت

های حقیقی قصه فرض نموده و بر اساس فرآیند شبیه‌سازی «همذات پنداری» با شخصیت های قصه، به روشنی قادر است رفتار دیگران را در زندگی روزمره خویش پیش‌بینی نموده و در موقعیت‌های خاص، رفتارهای متفاوت از خود بروز دهد. (ر.ک: نوئل کرول، ۲۰۰۱م، صص ۲۸-۳۸). قرآن کریم وقتی می‌فرماید: «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...» (القلم: ۱۷) و فعل زشت و سرنوشت شوم آنها را بیان می‌کند؛ مرادش این است که مخاطبانش با آگاهی از سرنوشت آنها، از انفاق نعمت‌هایی که به آنها داده شده پرهیز نکنند تا گرفتار سرنوشت آنها نشوند. و البته به خوبی هم تأثیرگذار است.

در سیره و روش تربیتی امامین انقلاب اسلامی، تأکید بر عبرت‌گیری و الهام از عاشورا، ریشه در این قاعده دارد تا حدی که در ادبیات دینی و انقلابی ما به یک شعار ماندگار تبدیل شده است: «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا وَكُلُّ شَهْرٍ مُحْرَمٌ». رویداد عاشورا و صحنه سازان آن در تاریخ، همواره قابل تکرار است، تا همگان پس از شناخت ابعاد مختلف آن، خود را به جای آن‌ها گذاشته و جامعه خود را با آن مقایسه کرده و با شبیه‌سازی وضع خویش با شخصیت‌های آن واقعه، از آن درس بگیرند. مقام رهبری (ادام. ا. ظله) با الهام از قیام عاشورا به تربیت اجتماعی جامعه پرداخته و می‌فرماید: «اگر ملت اسلام فکر کند که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر (ص) کار کشور اسلامی به جایی رسیده باشد که همین مردم مسلمان، از وزیرشان، امیرشان، سردارشان، عالم‌شان، قاضی‌شان و قاری‌شان در کوفه و کربلا جمع بشوند و جگر گوشه‌ی همین پیغمبر را با آن وضع فجیع به خاک و خون بکشند؟! آدم باید به فکر فرو برود که چرا این طور شد؟ (سخنرانی در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول، ۱۳۷۵/۳/۲۰). چون انقلاب اسلامی در همه‌ی مراحل الگو گرفته از نهضت حسینی است، انگیزه‌ی طرح این سؤال را یک درس عملی دانسته و می‌فرماید: «من می‌گویم چه شد که کار به اینجا رسید؟ چرا امت اسلامی که آن قدر نسبت به جزئیات احکام اسلامی و آیات قرآنی دقت داشت، در یک چنین قضیه‌ی واضحی، این قدر دچار غفلت و سستی و سهل‌انگاری بشود که چنین فاجعه‌ای به وجود بیاید؟ این مسأله انسان را نگران می‌کند. مگر ما از جامعه‌ی زمان پیغمبر و امیرالمؤمنین قرص‌تر و محکم‌تریم؟ چه کار کنیم که آن طور نشود؟» (همان). ایشان با طرح این سؤال، مخاطبان را به تفکر و تأمل در وقایع گذشته از طریق همذات‌پنداری فرا می‌خوانند تا هیچ از افراد امت اسلامی در آینده به چنین خطای فاحشی مبتلا نگردد و از مسیر حق منحرف نگردد.

## قضاوت و انتخاب



قضاوت و انتخاب، از دیگر وجوه تأثیرگذاری در قاعده لقمانی است که در سایر روش‌های تربیتی کمتر دیده می‌شود. در انذار و تبشیر معطوف به فعل، این مربی است که فعل خوب و بد را معین می‌کند و به مربی می‌گوید که کدام را انجام دهد و کدام را ترک کند. اما در انذار و تبشیر معطوف به فاعل، رویکرد تربیتی عقلانی‌تر، عمیق‌تر و نفوذپذیرتر و مبتنی بر اختیار و انتخاب است؛ زیرا این مربی است که با دیدن مصادیق متعدد، سرنوشت تبهکاران را می‌بیند و نسبت به آن‌ها قضاوت کرده و مسیر زندگی خویش را انتخاب می‌کند که مثل او نباشد. چنان که مصداق چنین روشی در کلام لقمان تجلی یافته و می‌گوید: «هر آنچه بی ادبان می‌کردند من از آن‌ها پرهیز می‌کردم». روش تربیت اجتماعی و تأکید بنیانگذار جمهوری اسلامی (ره) و مقام معظم رهبری درارجاع به دیدن سرنوشت اسفناک ظالمان و تبهکاران تاریخ، در راستای همین هدف و بیانگر اهمیت و شدت تأثیرگذاری این روش نسبت به سایر روش‌هاست.

### روش غیرمستقیم

از ویژگی‌های دیگر قاعده لقمانی، بهره‌گیری از روش غیرمستقیم در تربیت مخاطبان است. کاربست این روش که به مراتب موثرتر از روش مستقیم است. در قرآن و سیره پیشوایان دینی ما به روشنی دیده می‌شود. قرآن کریم، در خطاب‌های خود از این روش سود جست و می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک بیاورید اعمالتان ناچیز گردد و خود از زیان‌کنندگان خواهید بود). امام صادق (ع) فرمودند: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَعْدَ الَّتِي كُنْتُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْجَاهِدَ وَالصِّدْقَ وَالْوَرَعَ» (با غیر از زبان، دعوت کنندگان مردم به سوی خوبی باشید تا از شما تلاش و راستی و پرهیزکاری ببینند) (کلینی، ۱۴۱۱ق، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵؛ برقی، ۱۳۷۱، محاسن، ج ۱، ص ۱۸؛ الطبرسی، ۱۳۷۹، ص ۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۲ ص ۱۳۵ ح ۱۵). قاعده لقمانی در گفتار و کلام هم جاری است و با کنایه سخن گفتن یکی دیگر از مصادیق این قاعده و از تأثیر گذاری بسیار آن است؛ تا حدی که گفته شده «الْكِنَايَةُ أَبْلَغُ مِنَ التَّصْرِيحِ». (کنایه و مجاز، بلیغ‌تر از تصریح حقیقت است). ر.ک: حسینی طهرانی، ۱۳۹۷، ص ۷۴، ج ۲). استفاده از کنایه‌گویی در سخنان رهبران انقلاب اسلامی آشکارا دیده می‌شود: امام (ره) ساعتی بعد از دستگیری افرادی که قصد داشتند با کودتای نوژه ایشان را ترور کنند، فرمودند: «پایگاه همدان آمده بودید و چند جا را هم کوبیده بودید شما بالاخره باید

زمین هم بیاید، یا همان آسمان می‌ماندید؟» (ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۸).

### نتیجه‌گیری

راهبرد اصلی در هدف‌گذاری منظومه انقلاب اسلامی؛ متأثر از اندیشه رهبران انقلاب اسلامی؛ تشکیل نظامی اسلامی با حاکمیت قوانین اسلام است تا در سیر صعودی و عقلانی خود به سوی کمال، با اتکاء به وعده‌های الهی « وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمُ الْأَئِمَّةَ وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؟ » «... أَنْ الْأَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ به انقلاب جهانی امام زمان (عج) متصل گردد. دست‌یابی به چنین هدف و نظام آرمانی، مستلزم تلاش بی‌وقفه برای اصلاح و تربیت تک تک افراد جامعه و به تبع آن کل اجتماع می‌باشد. بر پایه همین رویکرد تربیتی، رهبران انقلاب اسلامی که خود از آگاه‌ترین افراد به اسلام، قرآن، تاریخ اسلام و ایران، و نیز آگاه به حوادث و رویدادهای زمان خویش می‌باشند؛ با تاسی از آموزه‌های قرآن کریم و روش‌های مختلف تربیتی آن، در هدایت و ارشاد آحاد مردم و ساختن جامعه اسلامی بهره برده‌اند. روش تربیت لقمانی، که قرآن کریم هم، به طور ویژه از آن در تربیت مسلمانان و ساختن امت اسلام استفاده نموده است؛ مورد عنایت خاص رهبران انقلاب از آغاز نهضت تاکنون بوده است. یادآوری جریان‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی؛ و اشاره به سرنوشت برخی نهضت‌ها، افراد، پیمان‌ها و قراردادهای، روابط داخلی و خارجی، جنگ‌های نظامی و غیرنظامی توسط رهبران انقلاب و بیان تمام مصادیقی که تذکر و تأکید به آنها موجب هوشیاری و بیداری امت اسلامی می‌گردد؛ روش مختار و تأثیرگذار رهبر فقید و فعلی انقلاب اسلامی در تربیت اجتماعی و جامعه‌سازی امت اسلامی بوده است؛ تا جامعه اسلامی، مردم و انقلاب در رویارویی با حوادث و رویدادهای مشابه با عبرت‌آموزی از سرنوشت ظالمان و ستمگران و رفتارهای بی‌ادبانه آنان، تجربه تلخ پیشینیان را تکرار نمایند و با هوشیاری و بصیرت‌افزایی خود، از گرفتار آمدن در آسیب‌هایی که آنها بدان دچار شدند، پرهیزند. روش ممتاز تربیتی امامین انقلاب، با رویکرد قاعده لقمانی، نه تنها امت اسلامی ایران را با سبک زندگی اسلامی آشنا نمود و آنان را در مسیر صحیح هدایت نمود، بلکه بر تربیت سایر ملتها و دولت‌های مسلمان در جهان اسلام نیز عمیقاً تأثیر گذاشت و زندگی اجتماعی آنان را متحول نمود.

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آبراهامیان، یرواند، (۱۳۹۷ش)، کودتای ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، علی بن محمد، (بی تا)، المواعظ الععدیه، تهران: مرتضوی.
۵. ابن سعد بغدادی، محمد، (۱۳۷۴ش)، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
۶. ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد، (۱۳۸۱ش)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ترجمه علی اصغر حلبی، تهران، اساطیر.
۷. آشتیانی، محمدرضا با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، (۱۳۸۷ش)، اخلاق در قرآن، تهران، انتشارات علی بن ابیطالب.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، محاسن، ج ۱، قم، دارالکتب السلامیه.
۹. جمع نویسندگان، (۱۳۷۳)، دائره المعارف تشیع، ج ۶، تهران، انتشارات شهید سعید محبی.
۱۰. حسنی، ابوالمکارم محمود بن محمد، (۱۳۸۱ش)، دقائق التاویل و حقائق التنزیل، تهران، میراث مکتوب.
۱۱. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، (۱۳۷۹ش)، نور ملکوت قرآن، مشهد، علامه طباطبائی.
۱۲. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۷۵/۳/۲۰ش)، سخنرانی در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص).
۱۳. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۸۷/۲/۲۸ش)، سخنرانی در دیار با مردم بیجار.
۱۴. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۸۲/۹/۵)، سخنرانی در خطبه های نماز عید فطر.
۱۵. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۵/۱/۱۸)، سخنرانی در دیار جمعی از مسولان کشور.
۱۶. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۹/۸/۱۲)، سخنرانی به مناسبت میلاد پیامبر اعظم (ص) و امام صادق (ع).
۱۷. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۸۷/۲/۱۲)، سخنرانی در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس در شیراز.
۱۸. خامنه ای، سیدعلی، (۱۴۰۰/۵/۶)، سخنرانی در دیار با دولت دوازدهم.
۱۹. خامنه ای، سیدعلی، (۱۴۰۰/۱/۲۵)، سخنرانی در محفل انس با قرآن کریم.
۲۰. خامنه ای، سیدعلی، (۱۴۰۰/۶/۶)، سخنرانی در نخستین دیار هیئت دولت سیزدهم.

۲۱. خواجه نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۷۴ ش)، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین محمد، (۱۳۶۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۲۳. رضائی، عباس، (بی تا)، *سید حسن مدرس*، تهران، ترفند.
۲۴. روحانی، حسن، (۱۴۰۰/۵/۱۰)، *نشست با مدیران ارشد دولت تدبیر و امید*، سالن اجلاس سران،
۲۵. فروغی، محمدعلی، (بی تا)، *گلستان سعدی*، تهران، انتشارات کتب ایران.
۲۶. الفیض الکاشانی، ملا محمد محسن، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: بی تا.
۲۷. امام خمینی (ره)، روح الله، (بی تا)، *صحیفه نور*، ج ۳، ۲۱، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۸. امام خمینی (ره)، روح الله، (۱۳۳۳)، *کشف‌الاسرار*، تهران، بی تا.
۲۹. امام خمینی (ره)، روح الله، (بی تا)، *صحیفه امام*، ج ۶، ۱۳، ۲۱.
۳۰. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، (۱۳۷۹ ش)، *مشکاه الانوار فی غرر الاخبار*، ترجمه عبدالله محمدی؛ قم، دارالتقلین.
۳۱. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، (۱۳۷۰ ش)، *مکارم الاخلاق*، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی.
۳۲. عامری نیشابوری، ابوالحسن، (۱۳۹۸ ش)، *السعاده والاسعاده فی السیره الانسانیه*، قم، آیت اشراق.
۳۳. عزیزاده، ذبیح الله، (۱۳۸۳)، *کتاب وصایا*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
۳۴. علی محمدی، عباسعلی و دیگران، (۱۳۹۹)، *قاعده لقمانی «بسان تربیتی سلبی» با نگاهی به بنی اسرائیل در قرآن کریم*، فصلنامه *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*؛ سال ششم، (شماره ۱۱)، صص ۱۶۲-۱۷۹.
۳۵. کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۹۴)، «تربیت سلبی» در برابر «تدسیه» به مثابه «تربیت ایجابی»، *مجله تربیت اسلامی*، سال دهم، (شماره ۲۱)، صص ۱۱۱-۱۳۱.
۳۶. کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۹۳)، «روش سلبی به مثابه روش فطری در تبلیغ دینی»، *پژوهشنامه تربیت تبلیغی*، سال دوم، (شماره ۳-۴)، صص ۴۹-۸۰.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۱ق)، *الکافی*، ج ۲، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۳۸. کمالی، حسن، (بی تا)، *اسرار و رموز اخلاق اجتماعی*، تهران، انتشارات رشد.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۶/۱۲/۲۳)، *گزیده درس اخلاق*، جلسه بیستم، دفتر مقام

- معظم رهبری، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۱. معین، محمد، (بی تا)، فرهنگ فارسی معین، ج ۶، تهران، بی نا.
۴۲. ملکی، حسن، (۱۳۹۹ ش)، روش های تربیت در اندیشه نورانی رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران؛ بی جا، بی نا.
۴۳. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۹۳)، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران، امیرکبیر.
۴۴. مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۹۶)، مثنوی معنوی، دفتر اول، تهران، گل بیتا.
۴۵. نراقی، مهدی، (۱۳۹۰)، علم اخلاق اسلامی (گزیده جامع السعادات)، مترجم جلال الدین مجتبی، تهران، حکمت.
۴۶. نوئل، کرول، (۲۰۰۱ م)، «گزارش تفصیلی کتاب و رأی زیبایی شناسی: جستارهای فلسفی»، پست الکترونیکی ترجمان. [info@tarjomaan.com](mailto:info@tarjomaan.com).